



دانشگاه پیام نور

دانشکده

ادبیات

پایان نامه

برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد

رشته

زبان و ادبیات فارسی

گروه

علوم انسانی

عنوان پایان نامه

تأثیر نظامی بر امیر خسرو دهلوی در مثنوی سرایی

رقیّه کنگری

استاد راهنما:

دکتر میر نعمت الله موسوی

استاد مشاور:

دکتر احمد محمدی

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

صور تجلسه دفاع از پایان نامه

دوره کارشناسی ارشد

تاریخ:

شماره:

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خانم رقیه کنگری دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۲۱۰۶ تحت عنوان تاثیر نظامی بر امیر خسرو دهلوی در مثنوی سرایی با حضور هیات داوران در روز پنجشنبه مورخ ۹۰/۴/۲۳ ساعت ۱۰+ در محل ساختمان آموزشی (اتاق کنفرانس) برگزار شد و هیات داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۹/۱۰۰۰ به حروف **فوق العاده** با درجه **بسیار خوب** تشخیص داد.

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه/ موسسه	امضاء
آقای دکتر میرنعمت اله موسوی	استاد راهنما	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر احمد محمدی	استاد مشاور	استادیار	مرکز تبریز	
خانم دکتر محبوبه عبدالهی	استاد داور	مربی	مرکز تبریز	
آقای دکتر علیرضا معین زاده	نماینده گروه علمی	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر سید مهدی عراقی	مدیر تحصیلات تکمیلی استان	استادیار	مرکز تبریز	

اینجانب رفیقہ کنڈری دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می دانم و جوابگوی آن خواهم بود. دانشجو تأیید می نماید که مطالب مندرج در این پایان نامه (رساله) نتیجه تحقیقات خودش می باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران مرجع آن را ذکر نموده است.

نام و نام خانوادگی دانشجو رفیقہ کنڈری

تاریخ و امضاء ۱۳۹۰/۵/۹

اینجانب رفیقہ کنڈری دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می نمایم چنانچه براساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و ... و به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو رفیقہ کنڈری

تاریخ و امضاء ۱۳۹۰/۵/۹

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می باشد.

ماه و سال

۱۳۹۰/۵/۹

تقدیم به:

او که می‌آید و...

دل‌ها را شاد می‌کند.

و تقدیم به پدر و مادر مهربانم که ناباورانه تنهایم گذاشتند و...

و تقدیم به همسر و همسفر زندگیم...

و تقدیم به دو شکوفه شاداب باغ زندگیم.

سپاس‌گزاری

سپاس‌ خدایی که توانایی نوشتن را به من عطا کرد. اینک که خداوند توفیق اتمام این پایان‌نامه را به من عنایت کرده است، بر خود واجب می‌دانم از استادان بزرگوارم، به خصوص آقای دکتر میرنعمت‌الله موسوی به عنوان استاد راهنما و آقای دکتر احمد محمدی به عنوان استاد مشاور که در این مدت با صبر و بردباری و بصیرت مرا از راهنمایی‌های خود بهره‌مند نمودند تقدیر و تشکر کنم و برای آن بزرگان هر کجا که باشند، آرزوی سلامتی و سرفرازی نمایم.

هم‌چنین از آقای سعید آخوندی مدیر چاپ‌خانه آذربادگان که در تایپ این پایان‌نامه هم‌کاری بی‌دریغ نمودند نهایت تشکر را دارم.

و در آخر از همسر فداکارم که در تمام زندگی و در نگارش این پایان‌نامه با صبر و بردباری در کنارم بودند تشکر می‌کنم.

رقیه کنگری - تابستان ۱۳۹۰

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	مقدمه
۹	فصل اول: مقدمه‌ای بر ادبیات تطبیقی و شرح احوال دو شاعر
۱۰	بخش یکم؛ ادبیات تطبیقی و شعر غنایی
۱۳	بخش دوم؛ سبک و اندیشه نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی
۱۹	بخش سوم؛ مثنوی سرایی و داستان سرایی دو شاعر
۲۱	بخش چهارم؛ خمسه سرایی و مقلدان نظامی
۲۴	بخش پنجم؛ منابع دو شاعر در سرودن خمسه
۲۶	بخش ششم؛ زیبایی‌های ادبی در شعر دو شاعر
۳۸	فصل دوم: تحلیل محتوایی آثار داستانی دو شاعر
۳۹	بخش یکم؛ مخزن الاسرار نظامی گنجوی و مطلع الانوار امیر خسرو دهلوی
۸۹	بخش دوم؛ خسرو و شیرین — و شیرین و خسرو —
۱۲۹	بخش سوم؛ لیلی و مجنون — و مجنون و لیلی —
۱۶۸	بخش چهارم؛ هفت پیکر — و هشت بهشت —
۲۴۸	بخش پنجم؛ اسکندرنامه (شرف‌نامه و اقبال‌نامه) — و آینه‌ی اسکندری —
۳۰۲	نتیجه
۳۰۳	نمایه
۳۰۵	منابع و مأخذ

چکیده

عنوان پایان‌نامه‌ی حاضر «تأثیر نظامی گنجوی بر امیرخسرو دهلوی در مثنوی‌سرایی» است. در این پایان‌نامه هر یک از مثنوی‌های نظامی و امیرخسرو دهلوی مطالعه و بررسی شد و پس از مقایسه، نکته‌های برجسته و مشترک، همچنین قسمت‌هایی که در اصل دو داستان با یک‌دیگر تفاوت داشت، انتخاب و نوشته شد.

هدف از این مقایسه بیان نحوه‌ی تأثیرپذیری امیرخسرو از نظامی و کیفیت و کمیت آن و بررسی توفیق یا عدم توفیق امیرخسرو در الهام‌گیری از نظامی بوده است؛ که در طی تحقیق این نتیجه به دست آمد که در میان پیروان نظامی، امیرخسرو دهلوی موفق‌تر از بقیه پیروان او بوده است.

کلید واژه

نظامی گنجوی، امیرخسرو دهلوی، مثنوی‌سرایی، تأثیر و مقایسه.

رقیه کنگری - ش دانشجویی ۸۷۰۰۰۲۱۰۶ - رشته زبان و ادبیات فارسی - استاد راهنما دکتر میرنعمت‌الله موسوی - استاد مشاور دکتر احمد محمدی. موضوع پایان‌نامه «تأثیر نظامی بر امیرخسرو دهلوی در مثنوی‌سرایی»

مقدمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
فاتحه فکرت و ختم سخن

هست کلید در گنج حکیم
نام خدايست، برین ختم کن

(مخزن الاسرار، ص ۳۵)

نظامی گنجوی و امیرخسرو دهلوی هر دو از شاعرانی هستند که وقتی نامشان شنیده می‌شود؛ هر کسی به یاد مثنوی سرایی و خمسه‌سازی می‌افتد. شعر هر دو شاعر در اوج زیبایی و لطافت است. و گاه به اقتضای کلام و فضا در حد یک حکیم و ناصح و یا در حد پدر و مادری مهربان و گاه فیلسوفی اندیشمند و گاه عاشقی دل‌سوخته تغییر می‌یابد تا پیام خود را برساند و آن چه را می‌خواهد به خواننده القاء کند.

روش کار در تدوین این پایان‌نامه بررسی جزء به جزء دو خمسه می‌باشد. یعنی ابتدا اولین کتاب از هر دو خمسه انتخاب شد و مقاله به مقاله و حکایت به حکایت مورد مطالعه و مقایسه قرار گرفت. مواردی که حایز اهمیت بود یادداشت گردید و به این ترتیب به آخرین اثر دو شاعر رسیدم. بیان داستان‌ها به این شکل است که متناسب با نوع داستان؛ هر کجا لازم بود متن اصلی شعرها آورده شد و هر کجا نیازی به توضیح بود به صورت نثر نگارش یافت.

منابع اصلی مورد استفاده خمسه نظامی تصحیح دکتر بهروز ثروتیان شامل شش جلد و خمسه امیرخسرو دهلوی شامل پنج جلد است. پایان‌نامه شامل دو فصل است. فصل اول شامل شش بخش مربوط به ادبیات تطبیقی و شعر غنایی، سبک و اندیشه‌ی نظامی گنجوی و امیرخسرو دهلوی، مثنوی سرایی و داستان سرایی دو شاعر خمسه سرایی و مقلدان نظامی، منابع دو شاعر در سرودن خمسه و زیبایی‌های ادبی در شعر دو شاعر است.

فصل دوم شامل پنج بخش است که عبارتند از: مخزن الاسرار نظامی گنجوی و مطلع الانوار امیرخسرو دهلوی، خسرو و شیرین نظامی گنجوی و شیرین و خسرو امیرخسرو دهلوی، لیلی و مجنون نظامی گنجوی و مجنون و لیلی امیرخسرو دهلوی، هفت پیکر نظامی گنجوی و هشت بهشت امیرخسرو دهلوی، اسکندرنامه یا شرف‌نامه و اقبال‌نامه نظامی گنجوی و آیینی اسکندری امیرخسرو دهلوی.

پس از مطالعه و مقایسه‌ی مثنوی‌های دو شاعر این نتیجه به دست آمد که در میان پیروان نظامی؛ امیرخسرو توفیق بیشتری داشته است و توانسته در خمسه‌سازی پا جای پای نظامی بگذارد و همانند نظامی اثری زیبا و درخور تحسین به وجود آورد.

درباره‌ی پیشینه‌ی این تحقیق باید گفت اگر چه تاکنون دو پایان‌نامه درباره‌ی آثار نظامی تدوین شده است اما در هر کدام فقط به یک اثر نظامی اشاره شده و تا به حال درباره‌ی خمسه‌ی نظامی و امیرخسرو به صورت کلی و محتوایی تحقیقی انجام نگرفته است؛ به همین جهت به نظر می‌رسد پایان‌نامه‌ی این جانب دارای تازگی است.

نوع ارجاعات به پیشنهاد استاد راهنما و استاد مشاور محترم، ارجاع داخل متن است. در ضمن به دلیل تکراری بودن و کثرت منابع در فصل دوم از ذکر سال چاپ خودداری شده است. امید است مورد توجه و استفاده‌ی علاقه‌مندان به مثنوی‌سرایی و خمسه‌سازی واقع شود و بر خطاها و اشتباه‌های آن به دیده‌ی عفو نگریسته شود.

آشنایی با نظامی و نام و کنیهی او:

نظامی گنجوی بی‌شک یکی از پرآوازه‌ترین شاعران ایران و یکی از ارکان شعر فارسی می‌باشد. استاد زرین‌کوب در کتاب پیر گنجه... گفته است: «این که خود او هم در ساختار بعضی مثنوی‌ها و حتی در ابداع برخی معانی تحت تأثیر متقدمان واقع شده باشد چیزی از ارزش و اعتبار او کم نمی‌کند.» (زرین‌کوب (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، ص ۲۲۱)

احمدنژاد نیز درباره‌ی نظامی گفته است: «نوشتن شرحی دقیق از احوال نظامی دشوار است، چرا که به جهت دور بودن او از دربارهای حکام و شاهان زندگیش با رخ‌دادهای زمانه‌اش ارتباط آشکاری نیافته و کمتر مورد توجه و اشاره قرار گرفته است. البته خود نظامی در آثارش مکرراً از خود سخن گفته است. اما در این جا نیز مشکل اختلاف نسخ و تشخیص صحیح از سقیم پیش روی جوینده است و ایجاز و ابهام بیان شاعرانه نیز بر این دشواری می‌افزاید.» (احمدنژاد (۱۳۷۵)، تحلیل آثار نظامی، ص ۷)

در بیشتر کتاب‌های تذکره و نظامی‌شناسی، نام او را الیاس و نام پدرش را یوسف، کنیه‌اش را ابومحمد، لقبش را نظام‌الدین و تخلصش را نظامی ذکر کرده‌اند.

زرین‌کوب درباره‌ی نام نظامی می‌گوید: «نام او الیاس بود و این که بعضی تذکره‌نویسان او یس هم گفته‌اند مبنایی ندارد و از عدم غور و فهم درست قول خود او ناشی است. پدرش یوسف نام داشت. به قول خود او: یوسف پسر زکی مؤید. مادرش را هم خود او رئیسه کرد می‌خواند.» (زرین‌کوب، (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، ص ۱۴، ۱۵)

درباره‌ی اصل و تبار پدر نظامی نیز زرین‌کوب می‌گوید: «درباره‌ی اصل و تبار پدرش یوسف تقریباً هیچ چیز دانسته نیست. به نظر می‌آید بومی ازانی یا مهاجر آذری بوده باشد. با این حال پیوند او با یک خانواده کرد در گنجه از سابقه‌ی ارتباط او با عنصر کرد حاکی به نظر می‌رسد و آن چه کرد بودن خود او را غیرمحمتمل می‌سازد عدم تصریح خود اوست.» (همان، ص ۱۵)

نام و کنیهی امیر خسرو دهلوی:

درباره‌ی امیرخسرو دهلوی ترابی در کتاب تاریخ ادبیات ایران گفته است: «امیرناصرالدین ابوالحسن خسروبن امیرسیف‌الدین محمود دهلوی از عارفان و شاعران نام‌آور پارسی‌گوی هندستان در نیمه‌ی دوم قرن هفتم و آغاز قرن هشتم هجری است.» (صفا، (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران تلخیص ترابی، جلد ۲، ص ۱۵۸)

درباره‌ی نام پدر امیرخسرو نیز گفته است: «پدرش سیف‌الدین محمود از امیران قبیله‌ی لاجین، از ترکان ختایی ماوراءالنهر ساکن شهر کش بود. به همین دلیل به امیر لاجین شهرت داشت.» (همان، ص ۱۵۹)

اته درباره‌ی امیرخسرو گفته است: «امیرخسرو قدیم‌ترین و هم از جهات زیادی بزرگترین شاعر فارسی‌گوی هند به شمار است که در ۶۵۱ هجری در پتیالی تولد یافت و در ۷۲۵ هجری در دهلی درگذشت.» (اته (۱۳۵۶)، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه‌ی رضازاده، ص ۷۸)

صفا درباره‌ی امیرخسرو می‌گوید: «امیرخسرو دهلوی بی‌تردید بزرگترین شاعر پارسی‌گوی هند و یکی از شاعران شیرین‌سخن و نیرومند فارسی است.» (صفا ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران، ص ۱۶۱)

در کتاب سبک‌شناسی شعر آمده است: «امیرخسرو دهلوی اعجوبه‌ای بود، کتب بسیار نوشته است وصیت و شهرت او سر تا سر هند و ایران را درنوردیده بود.» (شمیسا ۱۳۷۴، سبک‌شناسی شعر، ص ۲۳۸)

در باره‌ی لقب امیرخسرو در دیوان او آمده است:

«او را سعدی هندوستان لقب داده‌اند چون از شعرای بزرگ فارسی‌زبان هند بود.» (امیرخسرو دهلوی (۱۳۶۱)، ص ۷ پیش‌گفتار)

به او طوطی هند نیز می‌گفتند و شمیسا می‌گوید: در این بیت حافظ به او اشاره دارد:

شکرشکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که به بنگاله می‌رود

(شمیسا (۱۳۷۴)، سبک‌شناسی شعر، ص ۲۳۸)

مولد و موطن و وفات نظامی گنجوی:

اکثر تذکره‌نویسان سال ولادت نظامی را ۵۳۵ دانسته‌اند. ولی در منابع قدیمی این تاریخ اندکی متفاوت است. برای نمونه در کتاب کلیات خمسه ولادت او را به سال ۵۳۴ و یا ۵۴۰ دانسته‌اند و وفات او را به سال ۵۵۹ تا ۶۰۲. (نظامی گنجوی (۱۳۶۶)، کلیات خمسه، به اهتمام م. درویش، ص ۲ مقدمه)

در کتاب تحلیل آثار نظامی چنین آمده است: «از آن‌جا که نظامی در آثار خود به زلزله‌ای که به سال ۵۳۴ قمری در گنجه اتفاق افتاده است، اشاره‌ای نکرده است، باید تاریخ ولادت او سال‌ها پس از این زلزله باشد.» (احمدنژاد (۱۳۷۵)، تحلیل آثار نظامی، ص ۱۱، به نقل از کاروان اندیشه، ص ۱۹)

در کتاب شرف‌نامه تصحیح زنجانی سال تولد نظامی ۵۲۲ ذکر شده است. (نظامی گنجوی، شرف‌نامه (۱۳۸۰)، ص ۱۶ مقدمه)

بیشتر تذکره‌نویسان محل تولد نظامی را گنجه در سرزمین اران می‌دانند. زرین‌کوب در این باره گفته است: «انتساب او به «قهبستان شهر قم» بی‌شک اختراع نسخه‌نویسان و تذکره‌پردازان متأخر است.» (زرین‌کوب (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، ص ۱۴)

عبدی بیگ در مجنون و لیلی خود نوشته است:

فرستم سوی گنجه نظم جان‌بخش شوم از وی نظامی را روان‌بخش

از این بیت چنین برمی‌آید که عبدی‌بیگ محل تولد نظامی را گنجه می‌داند. (عبدی‌بیگ (۱۹۷۶)، مجنون و لیلی، تصحیح ابوالفضل هاشم‌اوغلی رحیموف، ص IV)

در کلیات خمسه چنین آمده است: «مولد و موطن او بنا به قول مشهور گنجه است ولی اصلاً از قم بوده است. چنان که در اسکندرنامه می‌گوید:

چو دُر گرچه در بحر گنجه گمم ولی از قهبستان شهر قمم

(نظامی گنجوی (۱۳۶۶)، کلیات خمسه، به اهتمام هم‌درویش، ص ۱۸، ۱۹)

درباره‌ی شهر قدیم گنجه و بنای آن نیز در کتاب کلیات خمسه این گونه آمده است: «گنجه از طرف طوایف ترک در کنار رودخانه‌ی معروف به «گن‌چای» بنا گردیده است و به نام همین رود نامیده می‌شود. گن‌چای به معنای رودخانه‌ی پهن است و گنجه مخفف آن است. شهر گنجه‌ی کنونی را شاه‌عبّاس صفوی در تاریخ ۱۰۱۵ یعنی در قرن هیجدهم میلادی بنا کرده.» (همان، ص ۳ مقدمه)

درباره‌ی وفات نظامی نیز مانند تولدش نظرات متفاوتی وجود دارد. زنجانی وفات او را به سال ۶۰۳ می‌داند (نظامی گنجوی (۱۳۸۰)، شرف‌نامه، تصحیح زنجانی، ص ۱۹ مقدمه)

احمدنژاد درباره‌ی تاریخ وفات نظامی گفته است: «اگر اختلاف نظر محققان در مورد تولد نظامی حدود یازده سال است (از ۵۳۰ - ۵۴۱) در تذکره‌ی دولت شاه چپ هند سال وفات او ۵۷۰ و در حماسه‌سرایی دکتر صفا سال ۶۱۹ ذکر شده است و در میان این دو تاریخ سال‌های بسیار مختلفی را به عنوان سال وفات او ذکر کرده‌اند.» (احمدنژاد (۱۳۷۵)، تحلیل آثار نظامی، ص ۱۱ به نقل از با کاروان اندیشه، ص ۱۹)

و سپس نقل قولی از ریپکا را در مورد سال وفات نظامی آورده است: «سال وفاتش را معمولاً ۶۰۰ می‌دانند، ولی به عقیده‌ی برتلس دلایلی در دست است که بنابر آن می‌توان وفاتش را مقارن ۱۲۱۱ میلادی دانست. تاریخ دقیق آن را مدیون السکرزاده (علی عسگرزاده) هستیم که سنگ قبر

کهنه‌ای را با تاریخ چهار رمضان ۶۰۵ هجری در محل اصلی خود کشف کرد.» (همان، ص ۱۲، ۱۳، به نقل از تاریخ ادبیات ایران، ریپکا، ص ۳۳۱، ۳۳۲)

در کلیات خمسه سال وفات او را بین سال‌های ۵۵۹ تا ۶۰۲ دانسته‌اند. (نظامی گنجوی (۱۳۶۶) کلیات خمسه، به اهتمام م درویش، ص ۷ مقدمه)

زرین کوب در کتاب پیر گنجه... نوشته است: «هنگام مرگ بنا بر مشهور شصت و سه سال یا قدری بیشتر از عمر او می‌گذشت. اگر نسخه‌ای از اسکندرنامه که به عزالدین مسعود زنگی فرمانروای موصل (از ۶۰۷ به بعد) اهداء شد به وسیله‌ی خود او نزد این پادشاه ارسال شده باشد، باید تا سال‌ها بعد از ختام اسکندرنامه هم زیسته باشد. در این صورت عمر وی از هفتاد هم ظاهراً در گذشته ولاجرم لوح مزاری را هم که در گنجه شامل تاریخ وفات او پنداشته‌اند نمی‌توان قابل تأیید یافت.» (زرین کوب (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، ص ۳۵، ۳۶)

نقل قول‌هایی این گونه درباره‌ی مرگ و سال مرگ نظامی وجود دارد و برخی از آنها شبیه افسانه و خرافه می‌باشند، همان طور که مبارز در کتاب زندگی و اندیشه‌ی نظامی نوشته است: «تاریخ‌نگاران و تذکره‌نویسانی که بعد از وفاتش درصدد نوشتن شرح احوال او برآمدند به جای جستجوی اسناد و مدارک زندگی او، به پرداختن افسانه‌هایی موهوم دست زدند و او را مثابه‌ی پیری صاحب معجزه و کرامات نمایانند و تاریخ زندگی شاعر را در هاله‌ای از دروغ‌بافی و خرافه‌پردازی پوشاندند.» (مبارز (۱۹۶۰) زندگی و اندیشه‌ی نظامی، ترجمه صدیق، ص ۱۲)

اردوبادی که سرگذشت نظامی را به شکل داستان نوشته است به امتناع نظامی از عرض تبریک جلوس نصیرالدین بالله و نرفتنش به بغداد اشاره کرده است. (اردوبادی (۱۳۸۰) خاتون گنجه، ص ۵۷۰) در قسمتی از داستان به رساندن خبر سوءقصد به جان نظامی این گونه اشاره کرده است: «فخرالدین برای این که خبر سوءقصد به جان نظامی را به گنجه برساند، به سرعت می‌بایست از صبا جدا می‌شد. در حالی که با او وداع می‌کرد گفت: به من اطمینان کن. تو را به آذربایجان خواهم برد.» (همان ص ۶۴۰، ۶۴۱)

در صفحه‌ی سیزده مقدمه نیز آورده است که فخرالدین هم مثل فرهاد از کسانی است که غیر از کتاب خاتون گنجه در جای دیگر به او اشاره نشده است.

در کتاب مذکور به قتل نظامی نیز اشاره شده است: «قرار است سه نفر از طرف طغرل به سوی گنجه به راه افتند. این سه نفر نامه‌ی طغرل را به شاعر گنجه خواهند رسانید. طغرل در این نامه از شاعر جوان درخواست کرده است که عاشقانه خسرو و شیرین را به نظم بکشد. این سه مأموریت دارند در گنجه نظامی را به دست افراد مشخصی به قتل رسانند.» (همان)

همسر و فرزند نظامی:

آفاق همسر نظامی کنیزی بود که شروان‌شاه به نظامی هدیه کرد. زرین‌کوب گفته است: «آفاق که نظامی او را به همسری برگزید چندی بعد پسری برای وی به دنیا آورد که محمد خوانده شد و روشنی چشم و مایه‌ی امید پدر گردید. (ح ۵۷۰ هجری) آفاق هم که در چشم شاعر، همایون پیکری نغز و خردمند بود، نه فقط کدبانوی خانه‌ی نظامی بود بلکه در عین حال محبوبه‌ی دل‌بند او نیز گشت.» (زرین‌کوب (۱۳۸۳)، پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد، ص ۲۲، ۲۳)

مولد، موطن و وفات امیر خسرو دهلوی:

امیر خسرو دهلوی به سال ۶۵۱ هجری در قصبه‌ی مومن‌آباد (= پتیالی) به دنیا آمد. درباره‌ی تاریخ تولد امیر خسرو اختلاف وجود ندارد و سال ۶۵۱ به عنوان سال تولد او ثبت شده است. درویش در معرفی امیر خسرو گفته است: «خسرو دهلوی که در ادبیات به نام امیر خسرو معروف است پسر امیر سیف‌الدین دهلوی از ترکان ساکن دهلی بود. لاجین پدر سیف‌الدین از ترکان ختا بود و در استیلای مغول به هند گریخته و در دهلی ساکن شده بود.» (دهلوی (۱۳۶۱)، دیوان، به اهتمام م درویش، ص ۷ پیشگفتار)

بنا به گفته‌ی صفا امیر خسرو در کودکی همراه برادرانش علی‌شاه و نصیرالدین محمود به دستبوس شیخ نظام‌الدین اولیاء رفت و در خدمت این پیر با خواجه حسن دهلوی شاعر معروف و ضیاء‌الدین برنی مؤلف تاریخ فیروزشاهی آشنایی یافت. (صفا (۱۳۷۶)، تاریخ ادبیات ایران، تلخیص ترابی، جلد ۲، ص ۱۵۸، ۱۵۹) طبق گفته‌ی همین کتاب در جوانی نیز دانش‌های متداول زمان خود را فرا گرفت و سپس به دربار غیاث‌الدین بلبن راه جست و پس از مدتی به خدمت پسر بزرگ او به مولتان رفت. اما در سال ۶۸۴ که ملک محمد قآن کشته شد؛ امیر و خواجه حسن دهلوی به اسارت مغول درآمدند، ولی پس از دو سال نجات یافته و به دهلی برگشتند. (به تلخیص از تاریخ ادبیات ایران ۲، صفا)

درویش وفات امیر خسرو را این گونه بیان کرده است: «چون خبر مرگ نظام‌الدین اولیاء به امیر خسرو رسید دیوانه وار نعره‌ای زد و بی‌اختیار به سوی دهلی روان شد و چون بر سر خاکش رسید گفت: سبحان‌الله! آفتاب در زیر زمین و خسرو زنده؟ این گفت و بی‌هوش شد و تا شش ماه در گریه و زاری بود تا از جهان رفت.» (دهلوی (۱۳۶۱)، دیوان، به اهتمام درویش، ص ۸ پیش‌گفتار)

سال وفات امیر خسرو را بیشتر تذکره‌نویسان ۷۰۵ هجری در دهلی ذکر کرده‌اند.

امیر خسرو دهلوی در هر پنج اثر خود به داشتن دختری مستوره و عقیفه اشاره کرده است و به پند و اندرز او پرداخته است.

فصل اوّل:

مقدمه‌ای بر ادبیات تطبیقی

بخش یکم؛ ادب تطبیقی و شعر غنایی:

در این بخش سعی می‌شود سخنی کوتاه درباره ادب تطبیقی که امیرخسرو دهلوی از استادان مسلم آن و شعر غنایی که نظامی استاد مسلم و برجسته‌ی آن است؛ آورده شود.

تعبیر و اصطلاح ادب تطبیقی:

در کتاب نقد ادبی درباره‌ی تعبیر و اصطلاح ادب تطبیقی چنین آمده است: «تعبیر و اصطلاح ادب تطبیقی را در اروپا، بنا بر مشهور اولین بار نقّادی فرانسوی نامش، ویلمن، به کار برد و سپس «سنت بود» منتقد مشهور فرانسوی آن را ترویج و استعمال نمود. ادب تطبیقی در واقع عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان (شمیسا، نقد ادبی، ص ۱۸۱)

شمیسا در همین کتاب به مسئله‌ی تأثیر و نفوذ اشاره کرده است: «کیفیت و نحوه‌ی تأثیر و نفوذ هر اثر را از روی انحاء و انواع تقلیدها و اقتباس‌هایی که از آن اثر کرده‌اند می‌توان معلوم داشت.» (همان ص ۱۶۶)

درباره‌ی تقلید نیز چنین نوشته است: «تقلید عبارت از آن است که نویسنده و گوینده‌ای شیوه‌ی گفتار گوینده و نویسنده‌ی دیگری را پیش گیرد و بر طریقه و منوال او سخن گوید و تقلید، البته برای انسان که به قول ارسطو از همه‌ی حیوانات بیشتر به محاکات علاقه دارد امری فطری و طبیعی است. (همان)

شعر غنایی

یکی از انواع ادبی شعر غنایی است. بیشتر منتقدان و ادیبان معتقدند قرار دادن یک اثر ادبی در نوع دقیق خودش کاری دشوار است؛ چون از هر دیدگاه به نوعی شبیه و نزدیک است. حاکمی در تعریف شعر غنایی می‌نویسد: «شعری است که حاصل لبریزی احساسات شخصی است و محور آن «من» شاعر است و سراینده در آن نقش پذیرنده و متأثر دارد نه تأثیربخش و مؤثر.» (حاکمی (۱۳۸۶) ادبیات غنایی ایران، ص ۴)

در همین کتاب نظر لامارتین و موسه را درباره‌ی شعر غنایی این گونه بیان می‌کند: «شعری است که شاعر خویشتن خویش را موضوع آن قرار می‌دهد.» (همان، ص ۱۵)

درباره‌ی دوران شعر غنایی نویسندگان معتقدند: شعر غنایی شعری است که در دوران جوانی جامعه رشد می‌کند. حاکمی درباره‌ی موضوعات شعر غنایی می‌گوید: «در شعر فارسی، وسیع‌ترین افق معنوی، افق شعرهای غنایی است. موضوعاتی که در ادب فارسی، حوزه‌ی شعر غنایی را تشکیل می‌دهد، تقریباً تمام موضوعات رایج است (به جز حماسه و شعر تعلیمی). حتی داستان‌های منظوم ادب پارسی همه در مقوله‌ی شعر غنایی قرار می‌گیرند؛ و در یک نگاه اجمالی: شعرهای عاشقانه، فلسفی، عرفانی، مذهبی، هجو، مدح و وصف طبیعت همگی، مصادیق شعر غنایی هستند.» (همان، ص ۱۶)

داد درباره‌ی شعر غنایی گفته است: «از حیث تاریخی، قدمت شعر غنایی به قرن‌ها پیش از میلاد می‌رسد و نخستین اشعار غنایی بر جای مانده از آن مصریان و عبری‌ها می‌باشد.» (داد (۱۳۸۰) فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۸۹)

در همین کتاب به موضوع شعر تجسمی (شعر خمیری) اشاره شده است. داد در این باره می‌گوید: «از اواخر قرن ششم هجری موضوع خمر رفته رفته برای بیان معانی عارفانه و مجازی به کار گرفته شد. از تبعات شعر خمیری، ساقی‌نامه است که شاعر در خطاب به ساقی و طلب شرب مدام به صورت مثنوی در بحر متقارب سروده.» (همان، ص ۱۸۴، ۱۸۵)

مبارز درباره‌ی شعرهای غنایی نظامی می‌گوید: «نظامی شعرهای غنایی فراوانی سروده، دیوانی هم ترتیب داده بود. برخی از تذکره‌نویسان حجم این دیوان را تا بیست هزار بیت گفته‌اند.» (مبارز، ۱۹۶۰)، زندگی و اندیشه‌ی نظامی، ص ۲۵)

نظامی چندین ساقی‌نامه‌ی زیبا دارد که در جای جای خمسه‌ی او به چشم می‌خورد:
نمونه‌هایی از ساقی‌نامه‌های نظامی:

ساقی به کجا که می‌پرستم	تا ساغر می دهد به دستم
آن می که چو اشک من زلالست	در مذهب عاشقان حلالست
در می به امید آن زخم چنگ	تا باز گشاید این دل تنگ

(لیلی و مجنون، ص ۶۸)

بیا ساقی از می نشان ده مرا	از آن داروی بی‌هشان ده مرا
بدان داروی تلخ بی‌هش کنم	مگر خویشتن را فرامش کنم

(شرف‌نامه، ص ۸۳)

بیا ساقی از سربنه خواب را	می ناب ده عاشق ناب را
می کاو چو آب زلال آمده‌ست	به هر مذهبی او حلال آمده است

(همان، ص ۸۷)

بیا ساقی از خمّ دهقان پیر
نه آن می که آمد به مذهب حرام

می در قدح ریز چون شهوشیر
می کاصل مذهب بدو شد تمام

(همان، ص ۱۱۰)

بیا ساقی آن آب چون ارغوان
به من ده که تازو جوانی کنم

کزو پیر فرتوت گردد جوان
گل زرد را ارغوانی کنم

(همان، ص ۳۱۳)

مُغْنی بیا چنگ را ساز کن
مرا از نوازیدن چنگ خویش

به گفتن گلو را خوش آواز کن
نوازش گری کن به آهنگ خویش

(اقبالنامه، ص ۱۹۳)

امیر خسرو فقط در آئینه اسکندری خود نمونه‌هایی از ساقی‌نامه و مطرب‌نامه دارد:

بیا ساقی آن باده‌ی چون عقیق
فرو ریز تا چون به کشتی شود

که هم کوثرش نام شد هم رحیق
خراباتی از وی بهشتی شود

(آئینه‌ی اسکندری، ص ۱۳۰)

بیا مطربا ساز کن چنگ را
رهی گیر کز ذوق آواز وی

به نالش درآر آن تر آهنگ را
حریفان نگردند محتاج وی

(همان، ص ۱۴۸)

بخش دوم؛ سبک و اندیشه نظامی گنجوی و امیر خسرو دهلوی:

سبک و اندیشه‌ی نظامی:

به اعتقاد اکثر منتقدان اگر سبک شعر فارسی را به سه سبک خراسانی، عراقی و هندی تقسیم کنیم، ویژگی‌های سبک عراقی در شعر نظامی بیشتر است. احمدنژاد در مورد سبک نظامی گفته است: «توجه به قالب مثنوی، فراوانی و پیچیدگی صور خیال و به کار بردن کلمات عربی بسیار بر این امر دلالت دارد. چیره‌دستی او در داستان‌سرایی و توجه به زیر و بم روانی قهرمانان داستان، دقت بیان، مهارت در تنظیم و حُسن تألیف داستان‌ها و... از ویژگی‌های شعر اوست. ارزش‌های تمثیلی آثار او در ادب فارسی بی‌نظیر است و حتی در پاره‌ای موارد با ادب غرب و یونان هم‌ترازی دارد.» (احمدنژاد ۱۳۷۵)، تحلیل آثار نظامی، ص ۱۴

زرین کوب هم درباره‌ی سبک نظامی می‌گوید: «سخنان او در شیوه‌ی تحقیق که شاعر معاصرش افضل‌الدین خاقانی و پیروان او نیز به آن شیوه رغبت خاص دارند، مثل آن چه در نزد سنایی هم ظاهرست غیر از تقدیر حکمت و موعظه، متضمن نقد جامعه‌ی فسادآلود عصری و جستجوی جامعه‌ای آرمانی و خالی از هر گونه عیب و فساد نیز هست. بدین گونه از همان اولین مقالات مخزن شاعر خود را طالب نوعی ناکجاآباد نشان می‌دهد.» (زرین کوب ۱۳۸۳)، پیر گنجی در جستجوی ناکجاآباد، ص ۴۲

سبک عراقی از قرن هفتم آغاز می‌شود و تا اواخر قرن دهم ادامه می‌یابد. این سبک به وسیله‌ی خراسانیانی به وجود آمده است که به سبب ناامنی خراسان در نقاط دیگر ساکن شده‌اند. داد درباره‌ی سبک عراقی گفته است: «از خصوصیات عمده‌ی این سبک یکی تأثیر تصوّف و عرفان است و دیگر داخل شدن اصطلاحات علمی و گستردگی موضوعات در شعر. از پیروان این سبک سعدی، انوری، سیدحسن غزنوی، خاقانی شروانی و نظامی گنجوی است.» (داد ۱۳۸۰)، فرهنگ اصطلاحات ادبی، ص ۱۶۵

شمیسا درباره‌ی سبک نظامی چنین می‌گوید: «سبک آذربایجانی (ارانی) سبک شاعران حوزه‌ی شمال غربی ایران یعنی منطقه‌ی اران و آذربایجان است. رئیس این حوزه‌ی ادبی ابوالعلاء گنجوی بود. شاعران معروف آن عبارتند از مجیرالدین بیلقانی و فلکی شروانی و خاقانی و نظامی.» (شمیسا ۱۳۷۴)، سبک‌شناسی شعر، ص ۱۴۲

صفا به ایرادی که منتقدان به کلام خاقانی و نظامی وارد می‌کنند اشاره‌ای می‌کند: «ایرادی که بعضی از ناقدان بر کلام خاقانی و نظامی وارد می‌کنند و برخی از ترکیبات و یا تعبیرات آنان را غلط یا